

توسعه فردی و تحول سازمانی

سنتز پژوهی و مدلسازی کیفی رژیم مصرف رسانه کودک با تأکید بر میانجیگری والدین

فرشته عمرانی^۱، کبری امامی ریزی^۲، فائزه تقی پور^{۳*}

شیوه استناددهی: عمرانی، فرشته، امامی ریزی، کبری، و

تقی پور، فائزه. (۱۴۰۳). سنتز پژوهی و مدلسازی کیفی رژیم

مصرف رسانه کودک با تأکید بر میانجیگری والدین. توسعه

فردی و تحول سازمانی، ۲(۳)، ۱۷۶-۱۶۳.

۱. دانشجوی دکتری، گروه برنامه ریزی درسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

۲. استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد ایذه، دانشگاه آزاد اسلامی، ایذه، ایران

۳. استادیار، گروه علوم ارتباطات، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: f.taghipour58@iaau.ac.ir

چکیده

هدف این پژوهش، سنتز پژوهی و مدلسازی کیفی رژیم مصرف رسانه کودکان با تأکید بر نقش میانجیگری والدین در مدیریت این رژیم است. این مطالعه با رویکرد کیفی و به روش فراترکیب انجام شد. جامعه آماری شامل ۷۰ مقاله فارسی و انگلیسی منتشرشده بین سالهای ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۴ بود که با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها فیش‌برداری و ابزار تحلیل، تحلیل مضمون به کمک نرم‌افزار MAXQDA بود. یافته‌ها نشان دادند که میانجیگری والدین می‌تواند نقش مؤثری در مدیریت رژیم مصرف رسانه‌ای کودکان ایفا کند. چهار سبک اصلی میانجیگری شناسایی شد: محدودکننده (با تأکید بر کنترل زمان و محتوا)، مشارکتی (تعامل و همراهی فعال)، نظارتی (نظارت مستقیم و غیرمستقیم)، و آموزشی (توانمندسازی کودک از طریق آموزش). همچنین، انگیزه‌های بیرونی و درونی، پیامدهای مثبت و منفی مصرف رسانه، و سطح سواد رسانه‌ای والدین از عوامل تأثیرگذار کلیدی در مصرف رسانه‌ای کودکان بودند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که طراحی مدل جامع میانجیگری والدین با رویکرد تلفیقی می‌تواند منجر به کاهش آسیب‌های رسانه‌ای و ارتقای مهارت‌های شناختی، اجتماعی و عاطفی کودکان شود. این مدل کاربردی می‌تواند راهنمای عمل برای والدین، مربیان، و سیاست‌گذاران در عرصه مدیریت رسانه کودکان باشد.

کلیدواژگان: رژیم مصرف رسانه، کودکان، میانجیگری والدین، میانجیگری محدودکننده، میانجیگری مشارکتی، سواد

رسانه‌ای، مدلسازی کیفی، آسیب‌های رسانه‌ای

تاریخ چاپ: ۳۰ آذر ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۲۱ آذر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۹ آذر ۱۴۰۳

تاریخ ارسال: ۹ مهر ۱۴۰۳

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار



این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت

دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0)

صورت گرفته است.

Personal Development and Organizational Transformation

A Synthesis Study and Qualitative Modeling of Children's Media Consumption Regimen with an Emphasis on Parental Mediation

Fereshteh Emrani¹, Kobra Emami Rizi², Faezeh Taghipour^{3*}

1. PhD Student, Department of Curriculum Planning, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

2. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Izeh Branch, Islamic Azad University, Izeh, Iran

3. Assistant Professor, Department of Communication Sciences, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

*Corresponding Author's Email: f.taghipour58@iau.ac.ir

How to cite: Emrani, F., Emami Rizi, K., & Taghipour, F. (2024). A Synthesis Study and Qualitative Modeling of Children's Media Consumption Regimen with an Emphasis on Parental Mediation. *Personal Development and Organizational Transformation*, 2(3), 163-176.

Abstract

This study aimed to conduct a qualitative synthesis and model the media consumption regimen of children with a focus on the role of parental mediation. The research employed a qualitative meta-synthesis approach. The data source consisted of 70 purposively selected Persian and English articles published between 2014 and 2024. Data collection was done through document extraction, and thematic analysis was performed using MAXQDA software. The findings indicated that parental mediation plays a significant role in regulating children's media consumption. Four primary mediation styles were identified: restrictive (focused on time/content control), participatory (involving active engagement and dialogue), monitoring (direct and indirect supervision), and educational (empowerment through guidance). Key influencing factors included internal and external motivations, both positive and negative consequences of media use, and parents' level of media literacy. The study also highlighted generational and cultural effects and the necessity of policy frameworks. The results suggest that a comprehensive parental mediation model can effectively regulate children's media consumption, reduce potential harms, and foster their cognitive, emotional, and social development. This model offers a practical framework for parents, educators, and policymakers to improve media literacy and safeguard child well-being in the digital age.

Keywords: *media consumption regimen, children, parental mediation, restrictive mediation, participatory mediation, media literacy, qualitative modeling, media-related harms*

Submit Date: 30 September 2024

Revise Date: 9 December 2024

Accept Date: 9 December 2024

Publish Date: 20 December 2024



© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

مقدمه

در عصر حاضر، الگوهای مصرف رسانه‌ای کودکان به شدت تحت تأثیر تغییرات فناورانه و گسترش رسانه‌های دیجیتال قرار گرفته‌اند. افزایش دسترسی به ابزارهای هوشمند، اینترنت، و محتوای رسانه‌ای متنوع، مصرف رسانه را به یکی از مهم‌ترین ابعاد زندگی روزمره کودکان تبدیل کرده است (Hasebrink & Paus-Hasebrink, 2013). کودکان نه تنها از رسانه‌ها برای سرگرمی استفاده می‌کنند، بلکه آن را به عنوان ابزاری برای یادگیری، برقراری ارتباط اجتماعی و حتی شکل‌گیری هویت خود نیز به کار می‌گیرند (Šramová & Pavelka, 2017; Tombul, 2019). با این حال، استفاده بدون نظارت از رسانه‌ها می‌تواند منجر به بروز پیامدهای منفی در رشد شناختی، عاطفی و رفتاری کودکان شود (Vittrup et al., 2014; Wood et al., 2019).

در این راستا، نقش والدین به عنوان میانجی در تجربه رسانه‌ای کودکان بسیار حیاتی است. مفهوم میانجی‌گری والدین شامل مجموعه‌ای از شیوه‌هاست که والدین از آن‌ها برای نظارت، هدایت، یا محدودسازی مصرف رسانه‌ای کودکان استفاده می‌کنند. این شیوه‌ها در قالب‌های گوناگون نظیر میانجی‌گری محدودکننده، مشارکتی، نظارتی و آموزشی دسته‌بندی شده‌اند (Sasson & Mesch, 2019; Sorela, 2021). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که اثربخشی هر یک از این سبک‌ها به عوامل متعددی از جمله سطح سواد رسانه‌ای والدین، رابطه والد-فرزند، و ویژگی‌های فردی کودک بستگی دارد (Guntarto & Sevrina, 2018; Roth-Ebner, 2022). از سوی دیگر، میانجی‌گری مؤثر می‌تواند مهارت‌های خودتنظیمی، تفکر انتقادی و رفتارهای ایمن دیجیتالی را در کودکان ارتقا دهد (John & Devi, 2024; Notten & Kraaykamp, 2010).

رشد سریع رسانه‌های جدید، به ویژه رسانه‌های اجتماعی، چالش‌هایی را برای والدین به وجود آورده است. برخلاف رسانه‌های سنتی مانند تلویزیون که الگوهای مشخص‌تری برای کنترل و نظارت داشتند، رسانه‌های دیجیتال به دلیل دسترسی انفرادی و تعامل‌پذیری بالا، نظارت والدین را با پیچیدگی‌هایی روبه‌رو کرده‌اند (Bayar, 2019; Lukitowati et al., 2022). در همین زمینه، برخی مطالعات بر چالش‌های ادراکی و رفتاری والدین در مواجهه با پدیده‌های نوظهور رسانه‌ای همچون اینفلوئنسرهای کودک‌محور و تبلیغات پنهان تأکید کرده‌اند (Binder & Matthes, 2023; Smit et al., 2020).

از منظر فرهنگی و اجتماعی نیز، نقش والدین در مصرف رسانه‌ای کودکان تحت تأثیر باورها، هنجارها و سطح سواد رسانه‌ای جامعه قرار دارد. برای مثال، تفاوت‌های فرهنگی می‌تواند نوع نگرش والدین به استفاده از رسانه و شیوه‌های میانجی‌گری آنان را تغییر دهد (Herawati et al., 2021; Ratnaningtyas, 2023). همچنین، سواد رسانه‌ای به عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی در میانجی‌گری مؤثر مطرح است و پژوهش‌ها نشان داده‌اند که والدینی که از سطح بالاتری از سواد رسانه‌ای برخوردارند، نه تنها در هدایت محتوای مصرفی فرزندانشان مؤثرترند بلکه در ایجاد محیطی گفت‌وگومحور نیز نقش فعال‌تری ایفا می‌کنند (Frolova & Obratsova, 2019; John & Devi, 2024). در کنار ابعاد نظارتی و راهبردی، مطالعات متعددی نیز به بررسی تأثیر مصرف رسانه‌ای کودکان بر ابعاد مختلف سلامت جسمی و روانی آن‌ها پرداخته‌اند. از جمله، پژوهش‌هایی که به ارتباط بین مصرف رسانه و چاقی کودکان، اختلالات تغذیه‌ای و نارضایتی بدنی پرداخته‌اند، اهمیت هدایت والدین در مصرف محتوای غذایی رسانه‌ای را گوشزد می‌کنند (Binder et al., 2020; Sánchez-Reina et al., 2023). همچنین، برخی شواهد حاکی از آن است که رویکردهای غیرفعال والدین در برابر استفاده افراطی از رسانه‌ها می‌تواند به کاهش فعالیت بدنی، خواب ناکافی، و ضعف در مهارت‌های اجتماعی کودکان منجر شود (Alfina et al., 2024; Hafizah & Dewi, 2022).

بر این اساس، اتخاذ رویکردهای نوین در سیاست‌گذاری، آموزش والدین، و طراحی برنامه‌های مداخله‌ای برای ارتقای میانجی‌گری رسانه‌ای ضروری به نظر می‌رسد. این ضرورت به‌ویژه در دوران پیش‌دبستانی و ابتدایی که کودکان از نظر شناختی و هیجانی آسیب‌پذیرترند، بیشتر احساس می‌شود. در این دوره، والدین به‌عنوان نخستین مرجع تربیتی نقش پررنگ‌تری در هدایت تجارب رسانه‌ای کودکان دارند (Idris & Azahari, 2024; Syarief et al., 2021). پژوهش‌ها تأکید دارند که تقویت مشارکت والدین در فرآیندهای آموزشی رسانه‌ای و تجهیز آن‌ها به مهارت‌های تشخیصی و تصمیم‌گیری می‌تواند کیفیت مواجهه کودکان با رسانه‌ها را بهبود ببخشد (Pavlushkina & Teplyashina, 2023; Tiberio et al., 2014).

از سوی دیگر، میانجی‌گری رسانه‌ای والدین تنها محدود به کنترل و هدایت نیست، بلکه می‌تواند به‌مثابه ابزاری برای پرورش مهارت‌های شناختی، اجتماعی و اخلاقی کودکان نیز عمل کند. برای مثال، گفت‌وگوهای معنادار پیرامون محتوای رسانه‌ای می‌تواند تفکر انتقادی کودکان را تقویت کرده و زمینه‌های شکل‌گیری رفتارهای اخلاقی در فضای مجازی را فراهم آورد (Binder et al., 2020; Smit et al., 2020). همچنین، میانجی‌گری موفق می‌تواند در قالب رویکردهای ترکیبی همچون میانجی‌گری مشارکتی و آموزشی با تأکید بر هم‌استفاده رسانه‌ای، فرصت‌های مناسبی برای رشد اجتماعی کودکان فراهم کند (Guntarto & Sevrina, 2018; Roth-Ebner, 2022).

در مجموع، ادبیات موجود نشان می‌دهد که میانجی‌گری والدین در مصرف رسانه‌ای کودکان، حوزه‌ای پیچیده، چندلایه و چندعاملی است که نیازمند مطالعه‌های دقیق، بومی و میان‌رشته‌ای می‌باشد. بررسی عوامل تعیین‌کننده در انتخاب سبک‌های میانجی‌گری، سنجش اثربخشی مداخلات رسانه‌ای، و تحلیل نقش متغیرهایی نظیر سن کودک، سطح تحصیلات والدین، و نوع رسانه، می‌تواند مسیر تحقیقات آتی را روشن سازد (Sari, 2019; Sorela, 2021). هدف این پژوهش نیز پاسخ به چنین نیازهایی از طریق ارائه مدلی مفهومی و تحلیلی از رژیم مصرف رسانه‌ای کودکان با تأکید بر نقش والدین به‌عنوان میانجی و مربی در زیست‌بوم دیجیتال امروز است.

روش‌شناسی

با توجه به هدف اصلی این پژوهش که طراحی و ارائه یک مدل کیفی از رژیم مصرف رسانه کودکان با تأکید بر نقش میانجی‌گری والدین است، رویکرد کلی تحقیق، کیفی و از نوع کاربردی محسوب می‌شود. روش‌شناسی به‌کاررفته در این مطالعه مبتنی بر سنتزپژوهی تجمعی است که در آن، یافته‌های حاصل از تحقیقات پیشین با استفاده از راهبرد «فرا ترکیب» به‌صورت نظام‌مند گردآوری، تحلیل و یکپارچه شده‌اند. در این رویکرد، از تحلیل محتوای استقرایی برای استخراج مفاهیم پایه و کدهای باز استفاده شد و سپس این یافته‌ها به شکل مقولات اصلی و فرعی سازمان‌دهی شدند تا زمینه برای ارائه یک مدل جامع فراهم شود. سنتزپژوهی که گاه با عنوان فراتحلیل کیفی نیز شناخته می‌شود، تمرکز خود را بر استخراج الگوها و هم‌پوشانی‌های موجود در پژوهش‌های پیشین قرار می‌دهد. این شیوه، ابزاری سودمند برای ترکیب نظام‌مند شواهد پراکنده و تفسیر آن‌ها در قالب نتایج تعمیم‌پذیر تلقی می‌شود و از این طریق، زمینه‌ساز تولید دانش نظری در حوزه‌ای خاص خواهد بود.

فرایند تحقیق طی چند مرحله کلیدی دنبال شد. در نخستین گام، پرسش اصلی پژوهش با توجه به منطق استقرایی و هدف نظری مطالعه تدوین گردید. پرسش محوری این بود: «چه عواملی بر رژیم مصرف رسانه‌ای کودکان اثرگذارند و نقش والدین در تنظیم این رژیم چگونه قابل تبیین است؟» در گام بعدی، برای گردآوری منابع موردنیاز، یک جست‌وجوی نظام‌مند در پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر نظیر Google Scholar، ERIC، Springer، Science Direct و Scopus صورت گرفت. این جست‌وجو مقالاتی را هدف قرار داد که در بازه زمانی سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۳ (مطابق با ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ هجری شمسی) در مجلات فارسی و بین‌المللی منتشر شده بودند. مقالاتی انتخاب شدند

که دارای رویکرد علمی و مرتبط با موضوعات مصرف رسانه، میانجی‌گری والدین، و نقش آن‌ها در توسعه یا کاهش آسیب‌های رسانه‌ای برای کودکان بودند. در این مرحله، تنها مقالاتی وارد تحلیل شدند که معیارهای علمی از جمله زبان مناسب (فارسی یا انگلیسی)، اعتبار علمی، تمرکز موضوعی بر کودکان و رسانه، و پرداختن به نقش والدین را دارا بودند. مقالاتی که صرفاً شامل دیدگاه‌های شخصی یا فاقد ساختار علمی بودند، حذف شدند.

در مرحله بعد، مقالات شناسایی شده بر اساس عنوان، چکیده و محتوای اصلی مورد بررسی دقیق قرار گرفتند تا مقالات واجد شرایط نهایی گزینش شوند. از مجموع ۱۷۰ منبع اولیه شناسایی شده، پس از اعمال معیارهای ورود، تعداد ۹۶ مقاله در مرحله اول پذیرفته شدند. در ادامه، با بررسی مجدد کیفیت روش‌شناسی و تناسب محتوایی با سؤال تحقیق، تعداد نهایی مقالات وارد شده به تحلیل به ۷۷ مورد کاهش یافت؛ این شامل ۳۹ مقاله فارسی و ۳۸ مقاله انگلیسی بود.

در مرحله استخراج داده‌ها، اطلاعات کلیدی شامل نام نویسندگان، عنوان مقاله، سال انتشار، روش تحقیق و یافته‌های کلیدی استخراج و ثبت گردید. سپس تحلیل محتوای استقرایی به کمک نرم‌افزار MaxQDA نسخه ۲۰۲۴ انجام شد. در این تحلیل، کدهای باز از هر مقاله استخراج گردید و سپس در قالب مقولات مفهومی سازمان‌دهی شدند. مقولات اصلی شامل «الگوهای مصرف رسانه»، «انگیزه‌ها و عوامل مؤثر»، «پیامدهای مصرف»، «میانجی‌گری والدین»، «سواد رسانه‌ای»، «تأثیرات نسلی و فرهنگی»، و «سیاست‌گذاری» بودند. هر یک از این مقولات خود به چندین زیرمقوله تقسیم شدند؛ برای نمونه، مقوله «میانجی‌گری والدین» شامل سبک‌های محدودکننده، مشارکتی، نظارتی و آموزشی بود. کنترل کیفیت تحلیل از طریق بررسی تکرارپذیری کدها و تطابق آن‌ها با هدف و سؤال پژوهش صورت گرفت.

در نهایت، همه داده‌های تحلیل شده با روش فراترکیب به یکدیگر متصل شدند تا یک مدل تبیینی جامع برای رژیم مصرف رسانه کودکان در بستر ایرانی ارائه شود.

یافته‌ها

در این بخش، نتایج حاصل از تحلیل محتوای ۷۷ مقاله فارسی و انگلیسی منتخب ارائه می‌گردد که به منظور شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر رژیم مصرف رسانه‌ای کودکان و تبیین نقش میانجی‌گری والدین انجام شده است. با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای استقرایی، ۱۵۴ کد باز استخراج شد که پس از سازمان‌دهی در قالب مقولات معنایی هم‌گرا، به ۷ مقوله محوری تقسیم شدند. این مقولات شامل الگوهای مصرف، انگیزه‌ها، پیامدها، میانجی‌گری والدین، سواد رسانه‌ای، تأثیرات نسلی و فرهنگی، و سیاست‌گذاری رسانه‌ای هستند. هریک از این مقولات دارای مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها یا کدهای باز مرتبط است که در ادامه به صورت نوشتاری فهرست شده‌اند.

جدول ۱. کدگذاری محوری در مورد رژیم مصرف رسانه‌ای کودکان با میانجی‌گری والدین

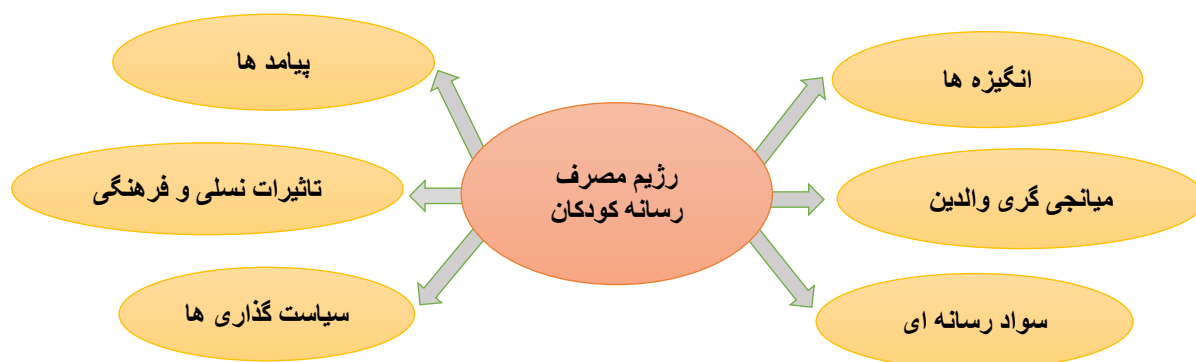
مقوله اصلی	مقوله‌های فرعی	منبع
الگوهای مصرف	نوع رسانه، مدت زمان استفاده، نوع محتوا، مکان استفاده، ابزار مصرف	(Bayar, 2019; Lukitowati et al., 2022; Sari, 2019; Wood et al., 2019)
انگیزه‌ها	سرگرمی، کنجکاوی، فرار از واقعیت، تقلید از همسالان، پاسخ به تنهایی	(Sánchez-Reina et al., 2023; Sorela, 2021; Šramová & Pavelka, 2017; Tombul, 2019)
پیامدها	افت تحصیلی، پرخاشگری، چاقی، اختلالات خواب، اضطراب اجتماعی	(Binder & Matthes, 2023; Sánchez-Reina et al., 2023; Smit et al., 2020; Tiberio et al., 2014)
میانجی‌گری والدین	محدودسازی زمانی، مشارکت در مصرف، آموزش رسانه‌ای، نظارت، اعمال فناوری کنترلی	(Guntarto & Sevrina, 2018; Notten & Kraaykamp, 2010; Roth-Ebner, 2022; Sasson & Mesch, 2019)

(Frolova & Obratsova, 2019; Herawati et al., 2021; John & Devi, 2024; Pavlushkina & Teplyashina, 2023)	مهارت تحلیل محتوا، تشخیص پیام‌های پنهان، شناخت تبلیغات، مقاومت در برابر تأثیر	سواد رسانه‌ای
(Notten & Kraaykamp, 2010; Sorela, 2021; Vittrup et al., 2014)	شکاف نسلی، سبک فرزندپروری، تجربیات گذشته والدین، شناخت تکنولوژی	تأثیرات نسلی
(Hasebrink & Paus-Hasebrink, 2013; Idris & Azahari, 2024; Ratnaningtyas, 2023)	عدم تدوین راهنما، کمبود سیاست عمومی، نیاز به آموزش همگانی	سیاست‌گذاری

نتایج تحلیل کیفی نشان داد که رژیم مصرف رسانه کودکان تحت تأثیر شبکه‌ای از مؤلفه‌های درونی، خانوادگی، اجتماعی و نهادی قرار دارد. الگوهای مصرف رسانه‌ای کودکان شامل استفاده زودهنگام و گسترده از رسانه‌ها، مصرف ترکیبی رسانه‌های سنتی و دیجیتال، و عدم رعایت دستورالعمل‌های زمانی است. این الگوها تحت تأثیر انگیزه‌هایی مانند کنجکاوی، تأثیرپذیری از والدین و همسالان، نیاز به آموزش و سرگرمی، و فشارهای اجتماعی شکل می‌گیرند. پیامدهای این مصرف نیز دو سویه هستند؛ از یک سو می‌توان به ارتقای یادگیری دیجیتال و مهارت‌های رسانه‌ای اشاره کرد و از سوی دیگر، پیامدهایی چون پرخاشگری، اختلالات هیجانی، بحران هویت و آسیب‌های روانی نیز مشهود است.

تحلیل مقوله «میانجی‌گری والدین» نشان داد که والدین از چهار سبک اصلی برای تنظیم مصرف رسانه فرزندان خود استفاده می‌کنند: میانجی‌گری محدودکننده (با تأکید بر کنترل زمان و محتوا)، مشارکتی (با تمرکز بر همراهی و گفت‌وگو)، نظارتی (از طریق آگاهی غیرمستقیم)، و آموزشی (با تأکید بر توانمندسازی کودکان). کارایی هر سبک وابسته به شرایط خانوادگی، سطح سواد رسانه‌ای والدین و رابطه والد-فرزند است. مقوله «سواد رسانه‌ای» نیز به عنوان عامل کلیدی در ارتقای عملکرد والدین و کاهش آسیب‌های رسانه‌ای شناخته شد و ضرورت آموزش فراگیر والدین در این زمینه را نشان داد.

در نهایت، مؤلفه‌های فرهنگی و نسلی نظیر شکاف دیجیتال و تعارض ارزش‌ها، و همچنین نبود سیاست‌گذاری‌های مؤثر و آموزش ساختارمند، از موانع جدی در مسیر مدیریت صحیح مصرف رسانه‌ای کودکان شناسایی شدند. این یافته‌ها در مجموع ضرورت تدوین یک مدل جامع و بومی را با محوریت میانجی‌گری والدین برای تنظیم رژیم مصرف رسانه در جامعه ایرانی تأیید می‌کنند.



شکل ۱. مؤلفه‌های رژیم مصرف رسانه کودکان

ادامه یافته‌های پژوهش در این بخش به تحلیل «میانجی‌گری والدین» می‌پردازد. بر اساس داده‌های استخراج‌شده، این مقوله به هفت زیرمقوله فرعی تقسیم شد که هر یک سبک یا بُعدی از نقش والدین در مدیریت رژیم مصرف رسانه‌ای کودکان را نشان می‌دهد. در ادامه، این مقولات فرعی و اجزای آن‌ها در قالب جدول ۲ آورده شده‌اند و سپس تفسیر تحلیلی یافته‌ها ارائه می‌شود.

جدول ۲. مؤلفه‌های مدل رژیم مصرف رسانه‌ای کودکان با میانجی‌گری والدین

مؤلفه اصلی	مؤلفه‌های فرعی	منبع
رفتار مصرف رسانه‌ای	تنوع رسانه، مدت زمان استفاده، نوع محتوا، موقعیت مکانی استفاده	(Bayar, 2019; Lukitowati et al., 2022; Wood et al., 2019)
راهبردهای والدین	محدودسازی زمانی، مشارکت فعال، آموزش و تبیین، کنترل دیجیتال	(Guntarto & Sevrina, 2018; Roth-Ebner, 2022; Sasson & Mesch, 2019; Tiberio et al., 2014)
پیامدهای رفتاری	رفتار پرخطر، بی‌تحرکی، پرخاشگری، ضعف در تعامل اجتماعی	(Binder et al., 2020; Sánchez-Reina et al., 2023; Smit et al., 2020; Šramová & Pavelka, 2017)
سواد رسانه‌ای	درک پیام‌ها، تفکر انتقادی، شناخت سوگیری رسانه، درک اهداف تبلیغاتی	(Alfina et al., 2024; Frolova & Obratzsova, 2019; John & Devi, 2024; Pavlushkina & Teplyashina, 2023)
زمینه اجتماعی	وضعیت اقتصادی، سبک تربیتی، تحصیلات والدین، ارزش‌های فرهنگی	(Hafizah & Dewi, 2022; Herawati et al., 2021; Notten & Kraaykamp, 2010; Sorela, 2021)
عوامل محیطی	حضور تکنولوژی، دسترسی به اینترنت، مدرسه، محیط همسالان	(Hasebrink & Paus-Hasebrink, 2013; Ratnaningtyas, 2023; Sari, 2019; Tombul, 2019)
سیاست عمومی	خلأ سیاست‌گذاری، نبود آموزش فراگیر والدین، کمبود ابزار نظارتی مناسب	(Binder & Matthes, 2023; Hasebrink & Paus-Hasebrink, 2013; Idris & Azahari, 2024; Syarief et al., 2021)

تحلیل مقوله فرعی «میانجی‌گری محدودکننده» نشان می‌دهد که تمرکز اصلی این سبک بر کنترل مستقیم زمان و نوع محتوای رسانه‌ای مصرف‌شده توسط کودک است. والدین در این شیوه از ابزارهایی مانند تعیین ساعت استفاده، فیلتر کردن محتوا و تعیین قوانین سختگیرانه بهره می‌برند. هرچند این روش می‌تواند از برخی آسیب‌ها جلوگیری کند، اما گاهی منجر به مقاومت کودک، کنجکاو‌ی بیشتر نسبت به محتوای ممنوعه و کاهش حس استقلال او می‌شود. بنابراین، استفاده از این سبک باید همراه با راهبردهای تعادلی و درک روانی کودک باشد تا اثربخشی آن حفظ گردد.

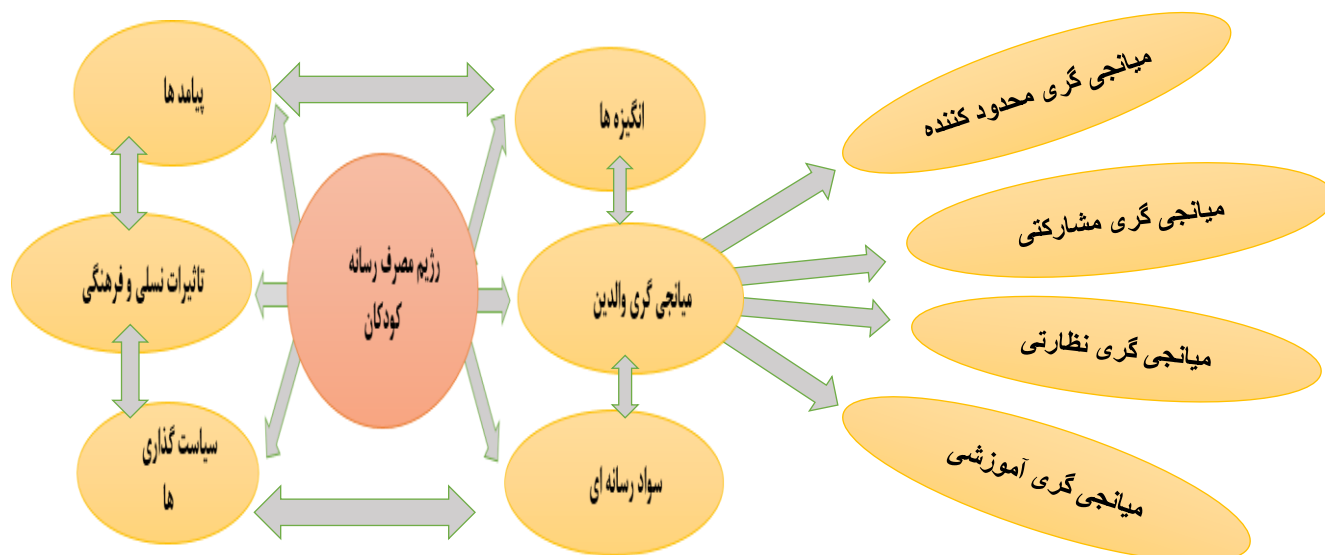
در مقابل، «میانجی‌گری مشارکتی» تأکید بیشتری بر تعامل مثبت والد-فرزند دارد. در این سبک، والدین به جای کنترل صرف، با کودک همراه می‌شوند، در مورد محتوا گفت‌وگو می‌کنند و تجربه‌ای مشترک از رسانه را شکل می‌دهند. این شیوه نه تنها به تقویت مهارت‌های اجتماعی و عاطفی کودک کمک می‌کند، بلکه سطح آگاهی او را نسبت به مصرف رسانه افزایش می‌دهد. مشارکت فعال والدین، ایجاد فضای امن دیجیتال و پرورش قدرت تحلیل در کودک از نتایج قابل توجه این سبک است.

در سبک «میانجی‌گری نظارتی»، والدین حضور مستقیم در تجربه رسانه‌ای ندارند اما با استفاده از روش‌های کنترل از راه دور، گزارش‌گیری یا مشاهده غیرمستقیم، سعی می‌کنند رفتار رسانه‌ای فرزندان را رصد کنند. این نوع نظارت برای کودک کمتر محدودکننده است، اما چنانچه والدین شناخت کافی از محتوای رسانه‌ای نداشته باشند، این سبک کارایی خود را از دست می‌دهد. بنابراین ارتقای سواد دیجیتال والدین در این سبک یک پیش‌نیاز ضروری است.

«میانجی‌گری آموزشی» شیوه‌ای توانمندساز محسوب می‌شود که هدف آن ارتقای خودتنظیمی، مسئولیت‌پذیری و آگاهی در کودک است. در این روش، والدین به کودک یاد می‌دهند چگونه رسانه‌ها را به شکل اخلاقی، ایمن و آگاهانه استفاده کند. آموزش راهکارهای مقابله با خطرات آنلاین، توسعه حس مسئولیت نسبت به داده‌ها، و مدیریت رفتارهای دیجیتال از جمله اثرات مثبت این رویکرد هستند.

مقوله «چالش‌ها و موانع میانجی‌گری» نیز بر دشواری‌هایی تمرکز دارد که والدین در اجرای نقش‌های میانجی‌گرانه با آن مواجه‌اند. ضعف در الگوهای تربیتی، ناآشنایی با فناوری، استفاده آسیب‌زا توسط خود والدین، تفاوت نگرش میان والد و فرزند، و تضادهای فرهنگی از جمله موانعی هستند که اثربخشی شیوه‌های مداخله را کاهش می‌دهند و نیاز به آموزش و مداخلات فرهنگی را دوچندان می‌سازند.

در نهایت، مقوله «تأثیرات میانجی‌گری بر مهارت‌های کودک» بر نتایج مثبت مداخلات والدین در تنظیم رژیم رسانه‌ای تمرکز دارد. کاهش وابستگی کودک به رسانه، بهبود رفتارهای آنلاین، ارتقای مهارت‌های شناختی و اجتماعی، ایجاد عادت‌های یادگیری مستقل، و توسعه یک محیط خانوادگی حمایت‌گر از جمله این دستاوردها هستند. نتایج این بخش نشان می‌دهد که میانجی‌گری والدین، در صورتی که به صورت آگاهانه، متعادل و با رویکرد آموزشی انجام گیرد، می‌تواند زمینه‌ساز توسعه پایدار در رشد شخصیتی و رسانه‌ای کودک شود.



شکل ۲. مدل نهایی پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این مطالعه نشان داد که الگوی مصرف رسانه‌ای کودکان در پیوند تنگاتنگ با شیوه‌های میانجی‌گری والدین، تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل پیچیده، چندسطحی و بافت‌محور قرار دارد. تحلیل داده‌های کیفی بر مبنای روش کدگذاری محوری نشان داد که سبک‌های گوناگون میانجی‌گری شامل میانجی‌گری محدودکننده، مشارکتی، نظارتی و آموزشی هر یک تأثیرات متمایز و گاه متقابل بر الگوی مصرف رسانه‌ای کودکان دارند. از یک سو، میانجی‌گری مشارکتی و آموزشی به واسطه تعامل فعال، آموزش سواد رسانه‌ای و توسعه مهارت‌های خودتنظیمی در کودکان، زمینه‌ساز مصرف هدفمند و ایمن رسانه‌ای می‌شود، و از سوی دیگر، شیوه‌های محدودکننده و نظارتی، در صورت فقدان تعامل سازنده، ممکن است منجر به مقاومت، کنجکاوی پنهانی و مصرف پنهانی محتوای ناسالم شود.

این یافته‌ها با پژوهش‌هایی همسو هستند که نشان داده‌اند میانجی‌گری مشارکتی به تقویت رابطه والد-فرزند، بهبود خودتنظیمی کودکان و ارتقاء مهارت‌های اجتماعی آنها می‌انجامد (John & Devi, 2024; Notten & Kraaykamp, 2010; Sasson & Mesch, 2019). والدینی که در فرآیند مصرف رسانه‌ای با کودکان همراهی می‌کنند، نه تنها فرصت هدایت کودکان را به دست می‌آورند، بلکه اعتماد متقابل را نیز تقویت می‌کنند (Vittrup et al., 2014; Wood et al., 2019). یافته‌ها همچنین نشان داد که رویکردهای آموزشی والدین با تأکید بر آموزش سواد رسانه‌ای، در ارتقاء آگاهی کودکان نسبت به محتوای رسانه‌ای و افزایش مقاومت در برابر محتوای آسیب‌زا نقش مؤثری دارند (Hafizah & Dewi, 2022; John & Devi, 2024).

در مقابل، نتایج مطالعه نشان داد که میانجی‌گری محدودکننده، اگرچه ممکن است در کوتاه‌مدت به کاهش مواجهه کودکان با محتوای نامناسب کمک کند، اما در بلندمدت می‌تواند منجر به بروز کنجکاوی افراطی، مقاومت و رفتارهای پنهان‌کارانه شود (Binder & Matthes, 2023).

(Tiberio et al., 2014). والدینی که با روش‌های اقتدارگرایانه و کنترل مستقیم به مواجهه رسانه‌ای کودکان پاسخ می‌دهند، کمتر موفق به توسعه خودتنظیمی و مسئولیت‌پذیری در مصرف رسانه‌ای فرزندان خود می‌شوند (Bayar, 2019; Šramová & Pavelka, 2017). در واقع، بدون گفت‌وگوی همدلانه و تعامل فعال، محدودیت‌ها می‌تواند اثر معکوس داشته باشند و وابستگی به رسانه‌های دیجیتال را افزایش دهند (Ratnaningtyas, 2023).

یکی دیگر از یافته‌های کلیدی این مطالعه، چالش‌های والدین در به‌کارگیری میانجی‌گری مؤثر بود. محدودیت زمانی والدین، شکاف نسلی در درک فناوری، و سطح پایین سواد رسانه‌ای، از جمله عواملی هستند که در مسیر نظارت مؤثر اختلال ایجاد می‌کنند. این یافته‌ها با مطالعات پیشین هماهنگ است که نشان داده‌اند آگاهی ناکافی والدین از محتوای رسانه‌ای و کمبود منابع آموزشی برای والدین، مانع از به‌کارگیری میانجی‌گری فعال و اثربخش می‌شود (Pavlushkina & Teplyashina, 2023; Roth-Ebner, 2022; Sorela, 2021). همچنین، در جوامع در حال گذار که والدین هنوز درگیر پذیرش فناوری‌های نوین هستند، اعمال محدودیت یا نظارت هوشمندانه با موانع فرهنگی و شناختی روبرو است (Frolova & Obratsova, 2019).

نکته قابل‌توجه دیگر، نقش شیوه‌های تربیتی والدین در جهت‌دهی به نوع میانجی‌گری است. خانواده‌هایی که از سبک فرزندپروری مقتدرانه بهره می‌برند، بیشتر به سمت میانجی‌گری مشارکتی گرایش دارند و در نتیجه فرزندان‌شان مهارت‌های شناختی و عاطفی مؤثرتری در تعامل با رسانه‌ها از خود نشان می‌دهند (Sánchez-Reina et al., 2023; Sari, 2019). در مقابل، خانواده‌هایی با سبک فرزندپروری سهل‌گیر یا مستبد، عمدتاً به ترتیب فاقد هرگونه نظارت یا اعمال محدودیت‌های افراطی هستند که هر دو می‌تواند منجر به بروز آسیب‌های روانی، شناختی و رفتاری در کودکان شوند (Binder et al., 2020; Smit et al., 2020).

یافته‌های پژوهش همچنین بر نقش مدل‌های تعاملی در ایجاد عادت‌های یادگیری مستقل و خودتنظیمی در کودکان تأکید دارد. میانجی‌گری فعال می‌تواند از طریق آموزش غیرمستقیم، الگوهای استفاده مسئولانه از رسانه را در ذهن کودک نهادینه سازد. این موضوع از نظر تربیتی اهمیت زیادی دارد، چراکه در عصر دیجیتال، هدایت کودک به سوی خودتنظیمی رسانه‌ای یکی از چالش‌های اساسی والدین محسوب می‌شود (Guntarto & Sevrina, 2018; Herawati et al., 2021; Syarif et al., 2021). هدفمند و آگاهانه رسانه‌ای با بهبود عملکرد تحصیلی، سلامت روانی، و تعامل اجتماعی کودکان مرتبط است (Alfina et al., 2024; Lukitowati et al., 2022).

از سوی دیگر، تضاد دیدگاه بین والدین و کودکان در خصوص محتوای مطلوب، میزان زمان استفاده، و نحوه کنترل، همچنان چالشی مهم در فرآیند میانجی‌گری محسوب می‌شود. برخی والدین همچنان دیدگاهی سنتی نسبت به رسانه دارند و آن را صرفاً ابزار سرگرمی یا تهدید تلقی می‌کنند، در حالی که کودکان آن را بستری برای تعامل اجتماعی، یادگیری، و ابراز هویت تجربه می‌کنند. این شکاف در درک متقابل، زمینه‌ساز بروز تعارض و مقاومت در فرآیند تربیتی می‌شود (Hasebrink & Paus-Hasebrink, 2013; Idris & Azahari, 2024).

در مجموع، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که مؤثرترین سبک میانجی‌گری در مصرف رسانه‌ای کودکان، رویکرد تلفیقی و متعادل بین نظارت، آموزش، تعامل و محدودیت هدفمند است. میانجی‌گری باید مبتنی بر درک نیازهای رشدی کودک، سواد رسانه‌ای والدین، و ویژگی‌های فرهنگی-اجتماعی خانواده‌ها باشد. همچنین، به‌کارگیری ابزارهای فناورانه کنترل والدین تنها زمانی اثربخش خواهد بود که در کنار آن، تعامل عاطفی و ارتباط مؤثر برقرار باشد.

این پژوهش با وجود ارزشمندی در تحلیل عمیق مصرف رسانه‌ای کودکان و شیوه‌های میانجی‌گری والدین، با محدودیت‌هایی نیز همراه بود. نخست، تمرکز تحقیق تنها بر بافت فرهنگی ایران و داده‌های کیفی محدود از یک منطقه خاص، تعمیم‌پذیری نتایج را کاهش می‌دهد. دوم، استفاده از روش مصاحبه کیفی ممکن است تحت‌تأثیر سوگیری پاسخ‌دهندگان قرار گرفته باشد، به‌ویژه در موضوعات مرتبط با تربیت فرزند که بار ارزشی و اخلاقی بالایی دارد. سوم، عدم بررسی مستقیم دیدگاه کودکان و تمرکز صرف بر والدین، باعث شد تصویری یک‌سویه از میانجی‌گری ارائه شود.

پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی، از طراحی‌های ترکیبی (کیفی-کمی) بهره گرفته شود تا میزان اثربخشی هر سبک میانجی‌گری به‌صورت عددی و مقایسه‌ای بررسی گردد. همچنین، تحلیل نقش ویژگی‌های شخصیتی والدین، جنسیت کودک، سطح سواد دیجیتال، و موقعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده در انتخاب نوع میانجی‌گری می‌تواند ابعاد جدیدی را در این حوزه بگشاید. بررسی دیدگاه کودکان به عنوان کنشگران فعال در مصرف رسانه نیز می‌تواند تصویر کامل‌تری از تعاملات رسانه‌ای در خانواده ارائه دهد.

در حوزه عملی، پیشنهاد می‌شود برنامه‌های آموزشی ویژه والدین در زمینه سواد رسانه‌ای، تربیت دیجیتال و روش‌های نوین میانجی‌گری توسعه یابد. مدارس و نهادهای فرهنگی می‌توانند با طراحی کارگاه‌ها و کتابچه‌های راهنما، والدین را در انتخاب راهبردهای میانجی‌گری مناسب یاری کنند. همچنین، توسعه محتوای رسانه‌ای آموزشی برای کودکان و تولید ابزارهای فناورانه بومی با قابلیت کنترل هوشمند، می‌تواند در مدیریت ایمن‌تر مصرف رسانه مؤثر واقع شود.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در انجام این پژوهش ما را همراهی کردند تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در تمامی مراحل پژوهش حاضر اصول اخلاقی مرتبط با نشر و انجام پژوهش رعایت گردیده است.

Extended Abstract

Introduction

Children's media consumption in the digital age has emerged as a dynamic and complex phenomenon shaped by multiple environmental, social, and developmental factors. The omnipresence of screens—ranging from televisions to smartphones—has transformed how children engage with content, raising concerns among educators, researchers, and policymakers about the short- and long-term implications of media exposure. A critical area within this discourse is the role of parental mediation in regulating and guiding children's media usage. Evidence suggests that children's media behavior is not solely a product of digital access, but rather is strongly influenced by the strategies parents use to manage and interpret that access (Notten & Kraaykamp, 2010; Sasson & Mesch, 2019).

Parental mediation refers to the diverse ways in which parents attempt to control, discuss, or co-engage with media alongside their children. These mediation styles—restrictive, active, co-viewing,

and instructive—play pivotal roles in shaping children’s digital literacy, self-regulation, and content preference (Sasson & Mesch, 2019; Tiberio et al., 2014). However, the effectiveness of each approach often varies depending on the cultural, educational, and socio-economic context of the family (Frolova & Obratsova, 2019; Pavlushkina & Teplyashina, 2023). In some cases, overly restrictive environments have led to hidden or rebellious media use, whereas collaborative or educational approaches tend to promote healthier consumption patterns (Binder et al., 2020; Šramová & Pavelka, 2017).

Moreover, recent studies have raised alarm about the implications of unsupervised or inappropriate media exposure. These range from poor dietary habits and reduced physical activity to anxiety, aggression, and impaired academic performance (Binder & Matthes, 2023; Smit et al., 2020). Conversely, structured, purposeful, and developmentally aligned media engagement, particularly when reinforced by parental instruction, has demonstrated positive outcomes in knowledge acquisition and behavior change (Alfina et al., 2024; Hafizah & Dewi, 2022).

Despite the growing literature on children’s media use, few studies have adopted a systematic synthesis approach to understand how parental mediation constructs a regulatory regime around children’s screen behavior. This study, therefore, aims to model the structure of children’s media consumption through the mediating role of parents using a qualitative meta-synthesis method. By synthesizing findings across multiple empirical studies, this research seeks to generate an integrated framework that explains the conditions, mechanisms, and outcomes of parental mediation in media consumption.

Methods and Materials

This study employed a qualitative research design using an integrative synthesis method known as meta-synthesis. The research was exploratory in nature and sought to identify and conceptualize the components of parental mediation that structure children’s media consumption regimes. The research process involved a systematic search of relevant literature in both English and Persian from 2002 to 2021 for international studies and from 2011 to 2023 for national studies. Academic databases including Google Scholar, Scopus, ERIC, Springer, and Science Direct were used.

The initial search identified 170 relevant studies, of which 96 met inclusion criteria based on relevance, methodological rigor, and focus. After further quality control and relevance screening, 77 articles (38 English, 39 Persian) were retained for final analysis. The inclusion criteria ensured that selected studies investigated themes such as children’s screen time, digital literacy, parental mediation techniques, and behavioral outcomes of media use.

The data extraction process involved identifying author names, publication year, research objectives, and key findings. An inductive content analysis was then conducted using MAXQDA 2024 software. Open coding was applied to extract codes from the textual data, which were then clustered into axial categories and organized into core themes. Themes included media patterns, parental strategies, motivational influences, generational effects, media literacy levels, and policy-related factors. The final model was derived by integrating these categories into a conceptual structure representing children’s media consumption regulation through parental mediation.

Findings

The findings from the meta-synthesis revealed that children’s media consumption is shaped by a multi-dimensional structure involving parental strategies, motivational drivers, media content characteristics, and generational influences. Parental mediation emerged as the central mechanism regulating how children interact with media content, with four distinct approaches: restrictive, participatory, monitoring-based, and educational.

Restrictive mediation included rule-setting and time limitations, which were found to be partially effective but also associated with secretive consumption behavior. Participatory mediation, involving shared media experiences and discussion, was more positively correlated with children's cognitive engagement and critical thinking. Monitoring approaches, including surveillance and technological controls, had mixed effects depending on the transparency of their implementation. Educational mediation, emphasizing media literacy and nutritional awareness, showed the most consistent positive impact, especially when initiated early in childhood.

Other themes identified included motivational patterns (e.g., media for entertainment, escape, socialization), socio-cultural influences (e.g., parenting style, socio-economic background), and institutional contexts (e.g., school-based interventions, policy guidelines). The synthesis also highlighted the challenges parents face, including time constraints, low digital literacy, and generational gaps in understanding technology. These constraints often hinder parents' ability to implement effective mediation strategies.

Discussion and Conclusion

This study confirms that parental mediation plays a fundamental role in shaping children's media consumption habits and offers a holistic model for understanding its dynamics. The effectiveness of mediation strategies, as highlighted in the reviewed literature, is heavily dependent on the quality of parent-child interaction. Active and instructive approaches that foster co-engagement and media literacy not only reduce the risks associated with digital content but also enhance children's ability to critically navigate online environments. These findings are consistent with prior research demonstrating the benefits of guided media use and collaborative parenting in digital contexts.

In contrast, strategies relying solely on restriction or surveillance may suppress undesirable behavior temporarily but fail to instill long-term self-regulation. Several studies warn that restrictive parenting can trigger defiance or secrecy, thereby undermining its intended outcomes. The findings resonate with existing research that associates authoritarian parenting with increased behavioral issues and diminished communication between parent and child.

The synthesis also reaffirms the importance of contextual variables such as socio-economic background, educational level of parents, and access to digital tools. Families from higher SES backgrounds tend to engage in more participatory and educational mediation, while others may resort to passive or authoritarian methods due to a lack of resources or awareness. These disparities underscore the need for culturally and socioeconomically responsive policy interventions.

Furthermore, the role of institutional actors such as schools and public health organizations is vital. Educational initiatives that equip both parents and children with digital literacy can amplify the impact of mediation strategies. Public campaigns and policy frameworks promoting safe and educational screen use can help align household practices with national child development goals.

In conclusion, this study provides a conceptual foundation for understanding how parental mediation structures the media consumption regime of children. The model underscores the necessity of a balanced, interactive, and educationally enriched approach to media engagement. Moving forward, media literacy training for parents, the inclusion of children's perspectives, and the development of culturally attuned policy measures will be essential to nurturing healthy digital habits among younger generations.

References

- Alfina, T. Y., Sumaryono, D., & Ismiati, I. (2024). The Effect of Storytelling Method Through Fairy Tale Book Media on Children's Knowledge and Attitudes About Fruit and Vegetable Consumption. *Media Gizi Indonesia*, 19(1SP), 76-78. <https://doi.org/10.20473/mgi.v19i1sp.76-78>

- Bayar, A. (2019). Digital Media Consumption of Children in Television Series. 72-88. <https://doi.org/10.4018/978-1-5225-5733-3.ch006>
- Binder, A., & Matthes, J. (2023). What Can Stop the 'Pester Power'? A Longitudinal Study on the Impact of Children's Audiovisual Media Consumption on <scp>media-motivated</Scp> Food Purchase Requests. *Pediatric Obesity*, 18(6). <https://doi.org/10.1111/ijpo.13018>
- Binder, A., Naderer, B., Matthes, J., & Spielvogel, I. (2020). Fiction Is Sweet. The Impact of Media Consumption on the Development of Children's Nutritional Knowledge and the Moderating Role of Parental Food-Related Mediation. A Longitudinal Study. *Nutrients*, 12(5), 1478. <https://doi.org/10.3390/nu12051478>
- Frolova, T., & Obratsova, A. (2019). Media Literacy of Schoolchildren in a Post-Transitive Society: Study Results. *Theoretical and Practical Issues of Journalism*, 8(4), 747-762. [https://doi.org/10.17150/2308-6203.2019.8\(4\).747-762](https://doi.org/10.17150/2308-6203.2019.8(4).747-762)
- Guntarto, B., & Sevrina, N. (2018). The Role of Parents in the Use of Media for Early Childhood in Suburban Jakarta. <https://doi.org/10.2991/secret-18.2018.12>
- Hafizah, H., & Dewi, Z. (2022). Cakram Gizi Sebagai Media Penyuluhan Untuk Meningkatkan Pengetahuan Dan Pola Konsumsi Buah Dan Sayur Pada Anak. *An-Nadaa Jurnal Kesehatan Masyarakat*, 9(2), 134. <https://doi.org/10.31602/ann.v9i2.6765>
- Hasebrink, U., & Paus-Hasebrink, I. (2013). Trends in Children's Consumption of Media. 57-64. <https://doi.org/10.4324/9780203366981-14>
- Herawati, H. D., Anggraeni, A. S. N., Pebriani, N., Pratiwi, A. M., & Siswati, T. (2021). Edukasi Gizi Menggunakan Media Booklet Dengan Atau Tanpa Konseling Terhadap Pengetahuan Orangtua Dan Konsumsi Sayur Dan Buah Anak Prasekolah Di Wilayah Urban. *Jurnal Gizi Klinik Indonesia*, 18(1), 48. <https://doi.org/10.22146/ijcn.63338>
- Idris, N. Z., & Azahari, M. H. (2024). The Implications of Children Using Electronic Media. *International Journal of Research in Education Humanities and Commerce*, 05(02), 136-143. <https://doi.org/10.37602/ijrehc.2024.5212>
- John, D., & Devi, J. D. (2024). The Vital Role of Media Literacy in Navigating and Engaging With Social Media. *International Journal of Advanced Research in Science Communication and Technology*, 397-403. <https://doi.org/10.48175/ijarsct-15265>
- Lukitowati, S., Suwarso, W. A., & Varanida, D. (2022). Patterns of Early Childhood Media Consumption in the Digital Television Era. *Komunika Jurnal Dakwah Dan Komunikasi*, 16(2), 151-164. <https://doi.org/10.24090/komunika.v16i2.6853>
- Notten, N., & Kraaykamp, G. (2010). Parental Media Socialization and Educational Attainment: Resource or Disadvantage? *Research in Social Stratification and Mobility*, 28(4), 453-464. <https://doi.org/10.1016/j.rssm.2010.07.001>
- Pavlushkina, N., & Teplyashina, A. (2023). Children's Magazines in the Media Education System (Content Audit). *Media Education (Mediaobrazovanie)*, 19(1). <https://doi.org/10.13187/me.2023.1.139>
- Ratnaningtyas, R. P. (2023). Child Prostitution in the Media Vortex. *Ultimacomm Jurnal Ilmu Komunikasi*, 15(1), 1-16. <https://doi.org/10.31937/ultimacomm.v15i1.2765>
- Roth-Ebner, C. (2022). "You Just Have to Join In" – A Mixed-Methods Study on Children's Media Consumption Worlds and Parental Mediation. *Communications*, 49(1), 27-50. <https://doi.org/10.1515/commun-2021-0111>
- Sánchez-Reina, J. R., Morales, M. J., & Blasco, M. M. (2023). Body Satisfaction and Screen Media Usage in Spanish Schoolchildren. *Revista Mediterránea De Comunicación*, 14(1), 295. <https://doi.org/10.14198/medcom.23406>
- Sari, G. (2019). Digital Media Using Habits of Children in Their Leisure Time. 89-104. <https://doi.org/10.4018/978-1-5225-5733-3.ch007>
- Sasson, H., & Mesch, G. S. (2019). Parental Mediation. 1-6. <https://doi.org/10.1002/9781118978238.ieml0177>
- Smit, C. R., Buijs, L., Woudenberg, T. J. v., Bevelander, K. E., & Buijzen, M. (2020). The Impact of Social Media Influencers on Children's Dietary Behaviors. *Frontiers in psychology*, 10. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2019.02975>
- Sorela, L. (2021). Literasi Media Orang Tua Sebagai Upaya Mengatasi Dampak Menonton Televisi Anak Di Kelurahan Baluwarti Surakarta. *Sosio Edukasi Jurnal Studi Masyarakat Dan Pendidikan*, 4(2), 65-78. <https://doi.org/10.29408/sosedu.v4i2.1607>
- Šramová, B., & Pavelka, J. (2017). The Perception of Media Messages by Preschool Children. *Young Consumers Insight and Ideas for Responsible Marketers*, 18(2), 121-140. <https://doi.org/10.1108/yc-11-2016-00643>
- Syarief, O., Handayani, F., Widartika, W., Judiono, J., & Mulyo, G. P. E. (2021). Pendidikan Gizi Menggunakan Media Exploding Box Terhadap Pengetahuan Tentang Sayur Dan Buah Pada Anak Sekolah Dasar. *Jurnal Riset Kesehatan Poltekkes Depkes Bandung*, 13(1), 1-11. <https://doi.org/10.34011/juriskesbdg.v13i1.1868>
- Tiberio, S. S., Kerr, D., Capaldi, D. M., Pears, K. C., Kim, H. K., & Nowicka, P. (2014). Parental Monitoring of Children's Media Consumption. *JAMA Pediatrics*, 168(5), 414. <https://doi.org/10.1001/jamapediatrics.2013.5483>

- Tombul, I. (2019). Digital Media Consumption of Children in Cinema. 177-194. <https://doi.org/10.4018/978-1-5225-5733-3.ch013>
- Vittrup, B., Snider, S. L., Rose, K. K., & Rippy, J. (2014). Parental Perceptions of the Role of Media and Technology in Their Young Children's Lives. *Journal of Early Childhood Research*, 14(1), 43-54. <https://doi.org/10.1177/1476718x14523749>
- Wood, C. T., Skinner, A. C., Brown, J. D., Brown, C. L., Howard, J., Steiner, M., Perrin, A. J., Levine, C., Ravanbakht, S. N., & Perrin, E. M. (2019). Concordance of Child and Parent Reports of Children's Screen Media Use. *Academic Pediatrics*, 19(5), 529-533. <https://doi.org/10.1016/j.acap.2019.04.002>